

کتاب دانیال — شماره یکصد و شصت و هفت

رازگشایی نبوت: آشکار ساختن اهمیت تاریخی و نبوی دانیال ۱۱:۱۰ و فراتر از آن

Jeff Pippenger

2024-03-30

چهل‌امین آیه از فصل یازدهم دانیال از زمان آخر در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود؛ آنگاه که پادشاه شمال به دست پادشاه جنوب زخم مهلک خود را دریافت می‌کند. آن تاریخ، نخست به‌وسیله سال ۲۴۶ پیش از میلاد نمونه‌وار گردید، هنگامی که بطلمیوس بر پادشاهی شمال انتقام آورد؛ و نیز به‌وسیله فرانسه ناپلئونی که در سال ۱۷۹۸ پاپ را به اسارت گرفت. پس از آنکه پادشاه جنوب در آیه نهم به مصر باز می‌گردد، آنگاه آیه دهم مشخص می‌سازد که پادشاه شمال ضدحمله‌ای بر ضد پادشاه جنوب برپا خواهد کرد.

پس پادشاه جنوب به پادشاهی خویش درخواهد آمد و به سرزمین خود بازخواهد گشت. اما پسران او برانگیخته خواهند شد و انبوهی از نیروهای عظیم را گرد خواهند آورد؛ و یکی از ایشان یقیناً خواهد آمد و همچون سیلاب سرازیر شده، عبور خواهد کرد؛ سپس بازخواهد گشت و تا دژ خویش برانگیخته خواهد شد. دانیال ۱۱:۹، ۱۰

Antes de considerar el comentario de Uriah Smith acerca de la historia que cumplió el versículo diez, observemos la expresión “rebosará, y pasará”. La frase hebrea que se traduce de esta manera también se traduce en el versículo cuarenta como “rebosará y pasará”. Es la misma frase en el hebreo original. Solo se encuentra en un solo otro lugar de las Escrituras

او از یهودا خواهد گذشت؛ طغیان کرده، عبور خواهد نمود؛ تا به گردن خواهد رسید؛ و گسترده‌گی بال‌های او پهنای سرزمین تو را پر خواهد ساخت، ای عمانوئیل. اشعیا ۸:۸.

در دانیال، باب یازدهم، آیه ده و آیه چهل، و سپس بار دیگر در اشعیا، باب هشتم، آیه هشت، همان عبارت عبری یکسان به سه شیوه متفاوت ترجمه شده است، هرچند همه آنها بیانگر یک معنا هستند. آخرین واژه این عبارت، یعنی واژه عبری «abar»، در آیه ده به «عبور کردن»، در آیه چهل به «گذشتن از»، و سپس در اشعیا به «از روی چیزی رفتن» ترجمه شده است. معنا در هر یک از این سه مرجع اساساً یکسان است، اما در اشعیا افزون بر این، پیوندی نبوی دیگر نیز میان این مراجع وجود دارد.

در آیه اشعیا، این امر زمانی تحقق یافت که پادشاه آشور بر یهودا غالب شد و تا اورشلیم آمد، اما هرگز خود شهر را فتح نکرد. او تا «گردن» بالا آمد، اما هرگز «سر» را مغلوب نساخت. در همان نبوت، اشعیا نماد نبوی آنچه «سر» نمایندگی می‌کند را بیان می‌دارد، و «سر» را به‌عنوان پایتخت پادشاهی معرفی می‌کند، و پادشاه پادشاهی نیز «سر» است. او دو شاهد برای حقیقت نبوی این امر ارائه می‌کند که سر، پادشاه و پادشاهی است، و سپس به‌گونه‌ای رمزآلود بیان می‌دارد که اگر دانشجوی نبوت این حقیقت را نپذیرد و درک نکند، استوار نخواهد شد. این آیه رمزآلود بخشی از همان نبوت است که مشخص می‌سازد پادشاه شمال سرریز کرده و عبور خواهد کرد، اما تنها تا «گردن».

زیرا سر آرام دمشق است، و سر دمشق رصین؛ و در مدت شصت و پنج سال، افرایم چنان درهم شکسته خواهد شد که دیگر قومی نخواهد بود. و سر افرایم سامره است، و سر سامره پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً استوار نخواهید ماند. اشعیا ۷:۸، ۹

«سر» ملتِ سوریه، پایتخت آن، یعنی «دمشق»، بود؛ و «سر» «دمشق» (پایتخت) «رصین»، پادشاه سوریه، بود. همچنین «سر» ملتِ افرایم، پایتخت آن، یعنی «سامره»، بود؛ و «سر» «سامره» (پایتخت) «پسر رملیا» (فقح)، پادشاه سامره، بود. نیز در همان نبوت، در باب بعد، در آیه هشت، سنحاریب، پادشاه آشور، اورشلیم را محاصره کرد، و در آیه هشت، این محاصره او از اورشلیم چنین توصیف می‌شود که تا گردن بالا آمده بود.

آیات هفتم و هشتم، که بر پایه دو شاهد، نماد نبوی «سر» را—که هم پادشاه و هم پایتختِ ملتِ آن پادشاه را نمایندگی می‌کند—مطرح می‌سازند، همان نبوتِ شصت و پنج ساله‌اند که نقطه آغاز هر دو نبوت دو هزار و پانصد و بیست ساله را بر ضد پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل مشخص می‌سازد. از این رو، این آیه، آیه‌ای بسیار پیچیده است، زیرا با آیات دهم و چهارم باب یازدهم دانیال ارتباط دارد؛ آیاتی که هر دو نیز درگیری‌هایی را شناسایی می‌کنند که در آن‌ها پادشاهی شمالی به پادشاهی جنوبی حمله می‌کند، همان‌گونه که سنحاریب، پادشاهی از شمال، در آیه هشتم اشعیا باب هشتم، به یهودا، پادشاهی جنوبی، حمله کرد.

کلیدی که این درگیری‌های پادشاهان شمال و جنوب را به یکدیگر پیوند می‌دهد، «سر» و «سرریز شدن و گذشتن» است. هنگامی که پادشاه شمال در آیه ده باب یازدهم بر پادشاه جنوب تلافی می‌کند، در نبرد پیروز می‌شود، اما «سر» را وا می‌گذارد، زیرا «می‌آید و سرریز می‌شود و عبور می‌کند» «تا» «دژ» پادشاه جنوب. تاریخ آیه ده نمایانگر پیروزی پادشاه شمال بر پادشاه جنوب است، اما او به مصر (دژ)، پایتخت—«سر»—داخل نمی‌شود.

गढ़ के राजा के उत्तर "वह तब, कयिा पराजति को राजा उत्तरी में आठ और सात पद पहले ने राजा दक्षणी जब की राजा के उत्तर गया। ले" मसिर "वापस उन्हें" बनाकर बन्दी" "और, हुआ प्रबल" "और, गया कर प्रवेश में 1989जब कि है होता प्रसृतुत प्रतरूप यह प्रकार इस; करता नहीं प्रवेश में मसिर वह में वजिय प्रतशिधात्मक न वशिवास तुम यदि" गया। रह खड़ा—सरि उसका, राजधानी उसकी—रूस तब, गया दयिा बहा संघ सोवयित में ही रूस नरूपति में रूप के राजा के दक्षणि में बारह और ग्यारह पद" रहोगे। न स्थरि तुम नश्चय तो, करोगे है। यूक्रेन आज और, थी राफयिा में काल प्राचीन जो, है जीतता को लड़ाई उस की प्रदेश सीमावर्ती

«آیت ۱۰. لیکن اُس کے بیٹے برانگیختہ ہوں گے، اور بڑی فوجوں کا ایک ہجوم جمع کریں گے؛ اور ایک یقیناً آئے گا، اور سیلاب کی مانند بہہ نکلے گا، اور گزر جائے گا؛ پھر وہ لوٹے گا، اور اپنے ہی قلعہ تک برانگیختہ ہوگا.»

«بخش نخست این آیه از پسران، به صورت جمع، سخن می‌گوید؛ و بخش آخر، از یکی، به صورت مفرد. پسران سلوکوس کالینیکوس، سلوکوس سراونوس و آنتیوخوس ماگنوس بودند. هر دوی ایشان با غیرت به کار احقاق و انتقام دعوی پدر خود و کشور خویش پرداختند. بزرگ‌تر آن دو، یعنی سلوکوس، نخست بر تخت نشست. او انبوهی عظیم گرد آورد تا متصرفات پدرش را بازپس گیرد؛ اما چون شاهزاده‌ای ناتوان و بزدل بود، هم از حیث تن و هم از حیث دارایی، و از پول بی‌بهره و از نگاه داشتن سپاهش در فرمان‌بری ناتوان، پس از سلطنتی خفت‌بار به مدت دو یا سه سال، به دست دو تن از سردارانش مسموم شد. آنگاه برادر کاردان‌تر او، آنتیوخوس ماگنوس، به پادشاهی اعلام شد؛ او با به عهده گرفتن فرماندهی سپاه، سلوکیه را بازپس گرفت و سوریه را بازیافت، و بر برخی جاها از راه پیمان و بر برخی دیگر به نیروی سلاح چیره شد. پس از آن، آتش‌بسی روی داد که در آن هر دو طرف برای صلح مذاکره کردند، اما برای جنگ آماده می‌شدند؛ و سپس آنتیوخوس بازگشت و نیکولاس، سردار مصری، را در نبرد مغلوب ساخت و در اندیشه یورش بردن به خود مصر افتاد. این است آن «یکی» که یقیناً چون سیلاب درخواهد گذشت.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، 253.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹، «زمان آخر» را رقم زد، و آن دو پسر در آن آیه، نمایانگر دو نشانه راه ریگان و بوش پدر هستند. از «زمان آخر» در سال ۱۷۹۸، که آیه چهارم دانیال یازده از آنجا آغاز شد، فاحشه روم به فراموشی سپرده شده است، زیرا او، در مقام ایزابل، در سامره در پس صحنه باقی می ماند، حال آنکه شوهرش اخاب، در کوه کرمل با ایلیا روبه رو می شود. او در اختفا بود، اما پنهانی رشته ها را می کشید، همان گونه که در جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم چنین می کرد. شوهرش، ارتش نیابتی او علیه پادشاه جنوب است. هنگامی که او در سال ۱۹۸۹ تلافی کرد، وی، در مقام پادشاه شمال، ارابه ها، کشتی ها و سواران را آورد.

و در زمان آخر، پادشاه جنوب بر او حمله ور خواهد شد؛ و پادشاه شمال با ارابه ها و سواران و کشتی های بسیار همچون گردباد بر او خواهد آمد؛ و به سرزمین ها داخل خواهد شد و چون سیل طغیان کرده، عبور خواهد نمود. دانیال ۱۱:۴۰.

نماینده او در این انتقام با «کشتی ها» نمایانده می شود، که قدرت اقتصادی است، و با «ارابه ها و سواران»، که قوت نظامی است. قوت نظامی و قدرت اقتصادی، دو ویژگی نبوی ایالات متحده در نبوت های روزهای آخرند؛ زیرا ایالات متحده آنان را که از تعظیم کردن در برابر ایزابل سر باز زدند، از خرید و فروش منع خواهد کرد، و اگر همچنان نشان اقتدار ایزابل را نپذیرند، به مرگ سپرده خواهند شد. این قدرت اقتصادی و قوت نظامی ایالات متحده بود که در همکاری با پاپیت به کار گرفته شد و انحلال اتحاد جماهیر شوروی را در سال ۱۹۸۹ پدید آورد، هرچند روسیه بر جای ماند.

آن تاریخ که آیه دهم باب یازدهم دانیال را به انجام رسانید، در تاریخ بخش دوم آیه چهارم تکرار می شود؛ بخشی که زمان آخر را در سال ۱۹۸۹ مشخص می سازد. تاریخ آیات شش تا نه نمایانگر تاریخی است که به زمان آخر انجامید، و این زمان در بخش نخست آیه چهارم مشخص شده است. آیات پنج تا ده باب یازدهم دانیال، تاریخ آیه چهارم دانیال ۱۱ را به طور کامل به تصویر می کشند؛ زیرا همان گونه که خواهر وایت ثبت کرده است، «بخش اعظم تاریخی که در دانیال یازدهم به انجام رسیده است، تکرار خواهد شد.»

آیات یک تا چهار دانیال یازده، کوروش را به عنوان دومین پادشاه ملت دوشاخ در زمان آخر ایام آخر شناسایی می کند. «زمان آخر» در ایام آخر، سال ۱۹۸۹ بود، و دومین رئیس جمهور، که به وسیله کوروش نمادپردازی شده است، توالی ای نبوی را برقرار می سازد که به دانشجوی نبوت امکان می دهد پس از ۱۹۸۹ تا ششمین رئیس جمهور را بشمارد؛ کسی که ثروتمندترین رئیس جمهور خواهد بود و ازدهای جهانی گرایان را، خواه جهانی گرایان جهان باشند و خواه آنان که در ایالات متحده هستند، به جنبش وامی دارد (بیدار می سازد). آن تاریخ نبوی سپس به هفتمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، یعنی ده پادشاه سازمان ملل متحد، انتقال می یابد و پادشاه اصلی و نخستین آن را، که به وسیله اسکندر کبیر نمود یافته است (به معنای «جنگاور مردمان»)، شناسایی می کند، و نیز انحلال نهایی پادشاهی او را هنگامی که چهار باد اسلام در پایان مهلت آزمایشی بشر به طور کامل رها شوند.

سپس آیات پنج تا نه تاریخی را به تصویر می کشند که در دوره پیش از استقرار پاپیت بر تخت در سال ۵۳۸ نمایان شده است؛ زیرا نخست، آن قدرتی که قرار است پادشاه شمال شود، باید بر سه مانع جغرافیایی غلبه کند، همان گونه که سلوکوس چنین کرد و سپس به عنوان پادشاه شمال استوار گردید. پس از آن، به مدت سه سال و نیم، که به وسیله سی و پنج سال واقعی نمود یافته است، پادشاه شمال فرمان راند، تا آن که پادشاه جنوب به دژ او درآمد و وی را به اسارت گرفت؛ و او بعدها در مصر بر اثر افتادن از اسب جان سپرد. بدین سان، این آیات تاریخی را مشخص می کنند که در زمان آخر، در سال ۱۷۹۸، به پایان رسید.

آیه ده تاریخ زمان پایان را در سال ۱۹۸۹ مشخص می‌سازد، و همراه با آیات پنج تا نه، تاریخ آیه چهل را بازنمایی می‌کنند، همان‌گونه که تاریخ آیات سی تا سی‌وشش نیز چنین می‌کند. بنابراین، از آیه یک تا آیه ده، سطر بر سطر، دو خط نبوتی وجود دارد. نخستین آن‌ها رهبران پادشاهی‌های ششم و هفتم را مورد خطاب قرار می‌دهد، هرچند میان ششمین و ثروتمندترین رئیس‌جمهور پادشاهی ششم و پادشاهی هفتم، خلأی وجود دارد.

خط دوم تاریخ برطرف شدن آن سه مانع، دوره‌ای را که پادشاه شمال سلطنت کرد، و این که سپس چه کسی در سال ۱۷۹۸ برکنار شد، و نیز تا سال ۱۹۸۹، و رئیس‌جمهور دوم را که در سطر پیشین به‌وسیله کورش نمایانده شده بود، دربر می‌گیرد.

آیات یازدهم و دوازدهم نمایانگر سومین خط تاریخ‌اند که پس از رئیس‌جمهور ثروتمند آیه دوم رخ می‌دهد، اما زمانی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در وقت آخر در سال ۱۹۸۹، و در جایی پیش از قانون یکشنبه در ایالات متحده، آن‌گونه که در آیه شانزدهم به تصویر کشیده شده است.

پس از زمان آخر در سال ۱۹۸۹، تاریخ در سطر نخست به ششمین و ثروتمندترین رئیس‌جمهور منتقل می‌شود که از سال ۲۰۱۶ جهانی‌گرایان را به حرکت درمی‌آورد. در سطر دوم، تاریخ نبوی به سال ۱۹۸۹ برده می‌شود. نبرد رافیا («مرز») در آیات یازده و دوازده، بر آیه سیزده تقدم دارد؛ جایی که پادشاه شمال که به‌تازگی شکست خورده است، سپاه خود را بازسازی می‌کند و سپس پادشاه جنوب را شکست می‌دهد، درست پیش از قانون یکشنبه در آیه شانزده. قدرت نیابتی پادشاه شمال در آیه سیزده، آخرین هشت رئیس‌جمهوری است که از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه سلطنت می‌کنند. بنابراین، آیه سیزده باید در زمان انتخاب هشتمین رئیس‌جمهور، که از آن هفت است، یا پس از آن واقع شود. آیات یازده و دوازده اندکی پیش از ششمین، ثروتمندترین رئیس‌جمهور آغاز می‌شود و به احتمال زیاد درست پیش از انتخاب همان رئیس‌جمهور پایان می‌یابد؛ کسی که هشتمی از آن هفت می‌شود و در سومین نبرد جنگ نیابتی، در آیات سیزده تا پانزده، پیروز می‌گردد.

در آیات یازدهم و دوازدهم، تلافی پادشاه جنوب در پاسخ به شکستی است که پادشاه جنوب در آیه دهم متحمل شد. آیه دهم پیروزی پادشاه شمال را در سال ۱۹۸۹ مشخص می‌کند؛ پیروزی‌ای که به‌واسطه اتحاد پنهانی ایالات متحده و واتیکان حاصل شد. پیروزی برای لشکر شمالی نخستین نبرد جنگ‌های نیابتی بود. جنگ داغ تحت‌اللفظی که در دوران باستان تحقق یافت، نمونه‌ای از یک جنگ نیابتی در ایام آخر بود؛ و از این رو، پیروزی آیات یازدهم و دوازدهم، پیروزی‌ای برای پادشاه جنوب، در دومین نبرد جنگ‌های نیابتی خواهد بود.

در آیات ده تا پانزده سه نبرد وجود دارد، و همه آنها در عهد باستان به‌وسیله جنگ‌های واقعی و داغ به‌صورت تحت‌اللفظی تحقق یافتند؛ اما این نبردها نمایانگر سه نبرد در جنگ‌های نیابتی ایام آخر هستند. نبرد نخست در سال ۱۹۸۹ به‌وسیله ائتلاف پنهانی وحش و نبی کاذب، بر ضد اژدها، به پیروزی رسید. نبرد دوم جنگ‌های نیابتی به‌وسیله قدرت اژدهای خدانا‌باور پادشاه جنوب، بر ضد ائتلاف پاپ و سپاه نیابتی او، به پیروزی خواهد رسید. نبرد سوم جنگ‌های نیابتی به‌وسیله سپاه نیابتی پادشاه شمال، چنان که در آیات سیزده تا پانزده بازنمایی شده است، به پیروزی خواهد رسید.

از لحاظ نبوی، سه جنگ جهانی داغ، سه جنگ نیابتی که مشتمل بر سه نبرد است، و نیز جنگ سه‌وای اسلام وجود دارد. همچنین یک جنگ داخلی و یک جنگ انقلابی نیز هست. دومین نبرد از جنگ‌های نیابتی اکنون در اوکراین، «مرز»، در جریان است؛ همان‌گونه که به‌واسطه رافیه بازنمایی می‌شود، که در هنگامی که آیات یازده و دوازده نخستین بار در تاریخ تحقق یافتند، مرز میان پادشاه جنوب و پادشاه شمال بود.

عین همان زمانی که دومین نبرد از جنگ‌های نیابتی در اوکراین در حال انجام است، دومین سه حملهٔ اسلام بر سرزمین جلال نیز در حال وقوع است. نخستین حملهٔ وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، و مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار آغاز شد. زمان مهرگذاری با قانون یکشنبه که به‌زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد به پایان می‌رسد؛ آنگاه اسلام وای سوم بار دیگر به ایالات متحده ضربه خواهد زد. نخستین و آخرین ضربه یکسان‌اند، و هر دو ندای آن فرشتهٔ مکاشفه هجده را نشان می‌دهند، که همان ندای فرشته سوم نیز هست، که همان نواخته شدن شیپور هفتم نیز هست، که همان وای سوم نیز هست.

در میان آن دو حمله، که دو صدا هستند و آوای شیپور هفتم را تشکیل می‌دهند، اسلام وای سوم، نه به سرزمین باشکوه روحانی نوین، بلکه به سرزمین باشکوه کهن لفظی، در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حمله کرد.

جنگی که در آن زمان آغاز شد، اکنون دقیقاً در همان ناحیه‌ای در جریان است که نبرد رفح، چنان‌که در آیات یازدهم و دوازدهم توصیف شده است، روی داد. نوار غزه مرز میان پادشاهی جنوبی یهودا و مصر است. ۷ اکتبر ۲۰۲۳ چرخه‌ای در میان چرخ‌های دیگر است که عصیان، یا سیزدهمین حرف در الفبای عبری را نشان می‌دهد؛ حرفی که همراه با نخستین و آخرین حروف، واژه «حقیقت» را پدید می‌آورد.

دومین حملهٔ اسلام وای سوم علیه سرزمین جلال، در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رخ داد، و این حمله دقیقاً در همان ناحیه‌ای واقع شد که نبرد باستانی رافیا در آن به وقوع پیوسته بود، در تحقق آیات یازده و دوازده. دومین حمله بر سرزمین جلال، از طریق نمادگرایی جغرافیایی نبوی، به دومین نبرد جنگ‌های نیابتی مرتبط است، چنان‌که جنگ در اوکراین نمایانگر آن است.

سطراً فوق سطر، إن المعركة الثانية من حروب الوكالة الجارية الآن في أوكرانيا (الأرض الحدودية)، تتضمن النغمة الثانية لبوق الويل الثالث (7 أكتوبر/تشرين الأول 2023)، التي تتم في الفترة الختامية من ختم المئة والأربعة والأربعين ألفاً. وتُصوّر خبرة الختم تلك بواسطة دانيال في الأصحاح العاشر، حين يرى رؤيا «ماراه» بعد فترة الحداد التي دامت واحداً وعشرين يوماً، وهي الأيام الثلاثة والنصف التي كان فيها النبيان ميتين في الشارع. وقد فسّرت الرؤيا بأنها بيان «ما سيصيب شعب الله في الأيام الأخيرة».

وہ سچائی جو دریائے حذاقل کے رؤیا کے ذریعہ ظاہر کی گئی ہے، اور جو مہر لگانے والی سچائی ہے، آیات گیارہ سے پندرہ کی نبوی تاریخ میں پوری ہوتی ہے۔ یہ آیت چالیس کی وہ تاریخ ہے جو 1989 میں شروع ہوتی ہے، اور آیت اکتالیس اور جلد آنے والے اتوار کے قانون تک جاری رہتی ہے۔ یہ آیت دو کے چھٹے اور نہایت دولت مند صدر کی وہ تاریخ ہے جس کی نمائندگی آیت تین میں مذکور "سکندر اعظم" کی ساتویں سلطنت تک کی گئی ہے۔

تاریخی کہ با آغاز دومین نبرد جنگ‌های نیابتی در سال ۲۰۱۴ شروع شد، و پس از آن ثروتمندترین رئیس‌جمهور در سال ۲۰۱۵ کارزار خود را آغاز کرد، همان بخش خالی آیهٔ چهل است، از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه در آیهٔ چهل و یک؛ و نیز همان بخش خالی از ششمین، ثروتمندترین رئیس‌جمهور در آیهٔ دو تا پادشاهی هفتم است. این همان تاریخی است که با نخستین صدا از مکاشفه باب هجده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز می‌شود و با صدای دوم در ساعت زلزلهٔ عظیم در باب یازدهم مکاشفه پایان می‌پذیرد. آن تاریخ همچنین همان دوره‌ای از تاریخ است که حزقیال در باب دوازده مشخص می‌کند، جایی که هر رؤیا به انجام می‌رسد. آن دورهٔ زمانی، زمان مهر و موم شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است. تقدیس قوم خدا به واسطهٔ کلام او به انجام می‌رسد.

آنان را به وسیلهٔ حقیقت خود تقدیس فرما؛ کلام تو حقیقت است. یوحنا ۱۷:۱۷.

ما این مطالعه را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.

"یہ رؤیا حزقی ایل کو ایسے وقت میں دی گئی جب اُس کا ذہن اندوپناک اندیشوں سے بھرا ہوا تھا۔ اُس نے اپنے باپ دادا کی سرزمین کو ویران پڑا دیکھا۔ وہ شہر جو کبھی لوگوں سے معمور تھا، اب بے سکونت ہو چکا تھا۔ اس کی فصیلوں کے اندر نہ ہنسی کی آواز رہی تھی اور نہ حمد کا نغمہ سنائی دیتا تھا۔ خود نبی بھی ایک اجنبی سرزمین میں پردیسی تھا، جہاں بے حد و حساب بلند پروازی اور درندہ صفت ظلم پوری قوت سے حکمران تھے۔ انسانی جبر اور ناراستی کی جو کچھ اُس نے دیکھا اور سنا، اُس نے اُس کی جان کو مغموم کر دیا، اور وہ دن رات تلخی سے ماتم کرتا رہا۔ لیکن دریائے خابور کے کنارے اُس کے سامنے پیش کیے گئے عجیب و غریب نشانوں نے ایک ایسے غالب اقتدار کو آشکارا کیا جو زمینی فرمانرواؤں کی قوت سے کہیں زیادہ زبردست تھا۔ اسور اور بابل کے متکبر اور سنگدل بادشاہوں سے بالا تر، رحمت اور صداقت کا خدا تخت نشین تھا۔"

پیچیدگی های چرخ ماندی کہ به نظر نبی چنان درگیر آشفتگی می نمود، تحت هدایت دستی نامتناهی بود. روح خدا که بر او آشکار شد که این چرخ ها را به حرکت درمی آورد و هدایت می کند، از میان آشفتگی هماهنگی پدید آورد؛ بدین سان تمامی جهان تحت فرمان او بود. بی شماران موجودات جلال یافته آماده بودند که به کلام او بر قدرت و تدبیر مردان شریر چیره شوند و برای وفاداران او نیکی به بار آورند.

»به همین سان، هنگامی که خدا در شرف آن بود که تاریخ کلیسا را برای اعصار آینده بر محبوب خود، یوحنا، مکشوف سازد، با آشکار کردن «کسی مانند پسر انسان» که در میان شمعدان ها گام می زد—شمعدان هایی که نماد هفت کلیسا بودند—به او اطمینانی از علاقه و مراقبت نجات دهنده نسبت به قوم خویش عطا فرمود. در حالی که به یوحنا آخرین کشمکش های عظیم کلیسا با قدرت های زمینی نشان داده می شد، همچنین به او اجازه داده شد که پیروزی نهایی و رهایی وفاداران را مشاهده کند. او دید که کلیسا به نبردی مرگبار با وحش و تمثال او کشانیده شده است، و پرستش آن وحش با تهدید مرگ تحمیل می شود. اما چون فراتر از دود و غوغای نبرد نگرست، جماعتی را بر کوه صهیون با بره دید که به جای نشان وحش، «نام پدرش بر پیشانی های ایشان نوشته شده بود.» و باز دید «آنان را که بر وحش و بر تمثال او و بر نشان او و بر عدد نام او غالب آمده بودند، بر دریای شیشه ای ایستاده، بر بطن های خدا را در دست دارند» و سرود موسی و بره را می سرایند.

"این درس ها برای منفعت ماست. ما نیاز داریم ایمان خود را بر خدا استوار سازیم، زیرا درست در پیش روی ما زمانی است که جان های آدمیان را خواهد آزمود. مسیح، بر کوه زیتون، داوری های هولناکی را که می بایست پیش از آمدن دوم او واقع شوند، بازگو کرد: «و اخبار جنگ ها و شایعات جنگ ها را خواهید شنید.» «امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهد برخاست؛ و در جای های مختلف، قحطی ها و وباها و زلزله ها پدید خواهد آمد. و همه اینها آغاز دردهاست.» هرچند این نبوت ها در ویرانی اورشلیم تا حدی تحقق یافتند، کاربرد مستقیم تر آنها به ایام آخر مربوط است."

»ما بر آستانه رویدادهای عظیم و خطرناک ایستاده ایم. نبوت به سرعت در حال تحقق است. خداوند بر در ایستاده است. به زودی دوره ای در برابر ما گشوده خواهد شد که برای همه زندگان سرشار از اهمیت سهمگین خواهد بود. مجادلات گذشته از نو زنده خواهند شد؛ مجادلاتی تازه پدید خواهند آمد. صحنه هایی که قرار است در جهان ما به وقوع پیوندد، هنوز حتی به خواب کسی نیز نیامده است. شیطان از طریق عوامل انسانی در کار است. آنان که می کوشند قانون اساسی را تغییر دهند و قانونی برای تحمیل رعایت یکشنبه به دست آورند، اندک درمی یابند که نتیجه آن چه خواهد بود. بحرانی درست در آستانه ماست.»

"لیکن خدا کے خادموں کو اس عظیم بحرانی گھڑی میں اپنے اوپر بھروسہ نہیں کرنا چاہیے۔ اُن رویاؤں میں جو یسعیاہ، حزقی ایل، اور یوحنا کو دی گئیں، ہم دیکھتے ہیں کہ آسمان زمین پر وقوع پذیر ہونے والے واقعات سے کس قدر گہرا تعلق رکھتا ہے، اور اُن لوگوں کے لیے جو اُس کے وفادار ہیں، خدا

کی نگہداشت کس قدر عظیم ہے۔ دنیا کسی حاکم کے بغیر نہیں ہے۔ آنے والے واقعات کا منصوبہ خداوند کے ہاتھ میں ہے۔ جلال آسمانی کی ذات نے اپنی کلیسیا کے معاملات ہی نہیں بلکہ قوموں کی تقدیر کو بھی اپنے اختیار اور نگرانی میں رکھا ہوا ہے۔ "Testimonies, volume 5, 752, 753